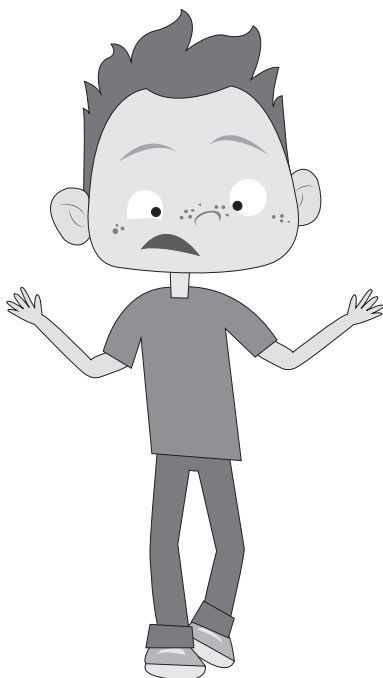


وقتی اوضاع بدتر شد!

نویسنده: لوئیس سکر

تصویرگر: آدام رکورد

مترجم: جواد کریمی



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

یادداشت
یادداشت

موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

ساگر، لوئیس، ۱۹۵۴ - م.
Sachar, Louis

وقتی اوضاع بدتر شد! / نویسنده لوئیس ساگر؛ تصویرگر آدام رکورد؛
مترجم جواد کریمی؛ ویراستار هایده کرویی.

تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۰.
۶۸ص: مصور: ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.
978-600-477-758-2

عنوان اصلی: Marvin Redpost : why pick on me?, 2015.
گروه سنی: ب.

مدرسه‌ها - داستان
کریمی، جواد، ۱۳۶۲ - مترجم
۱۳۰۵/۲۳۱
۸۶۶۳۴۳۳



شرکت
انتشارات
فنی ایران

کتاب‌های
نردبان

وقتی اوضاع بدتر شد!

نردبان قرمز - مهارت‌های زندگی ۷۷۹ | ماجراهای ماروین | کد کتاب ۱۹۶۵

نویسنده لوئیس ساگر Louis Sachar

تصویرگر آدام رکورد Adam Record

مترجم جواد کریمی | ویراستار هایده کرویی

مدیر هنری کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نفیسه خواستار

طراحی گرافیک آتلیه گرافیک نردبان

چاپ اول ۱۴۰۱، ۱۰۰۰ نسخه | چاپ گوهرا اندیشه

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد، شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۸۸۵۰۵۰۵۵

info@entesharat.com ✉ entesharat.com

@nardebanbooks 📧 nardebanbooks



کاغذ این کتاب از
جنگل‌های صنعتی
مدیریت شده
تهیه شده است.

درباره‌ی نویسنده

لوئیس سکر موهای قرمز یا خون سلطنتی ندارد. به هر حال، او نویسنده محبوب و خالق رمان برگزیده‌ی «آخرین گودال» و رمان‌های ته کلاس، ردیف آخر، صندلی آخر، پسری که صورتش را گم کرد، سگ‌ها لطیفه نمی‌گویند و مجموعه‌ی «ماروین ردپاست» و کتاب‌های دیگر است. خواهر کوچک‌تر ماروین، لینزی، براساس شخصیت دخترِ سکر، شر خلق شده است. برای اطلاعات بیشتر به وبگاه او با آدرس زیر سر بزنید: louissachar.com

کیسی پرسید: «تو کدام سبزی را بیشتر دوست داری؟»
ماروین ردپاست سرش را بلند کرد. «هویج». خیلی
مهم بود که حتماً حقیقت را بگوید.

کیسی هپلتون جوابش را نوشت. بعد کنار ماروین
نشست. موهایش را یک طرفی دم‌اسبی کرده بود.
ملانی زیرلبی گفت: «کیسی! تو کدام حشره را بیشتر
دوست داری؟»

ملانی جلوی کیسی نشسته بود.
کیسی گفت: «یک حشره‌ی بدبو.»
کیسی هپلتون دختر عجیبی بود.
ملانی پرسید: «کدام حشره را بیشتر دوست داری ماروین؟»

ماروین جواب داد: «اِ اِ اِ! عنكبوت بیوه سیاه.»
کیسی گفت: «عجب!».

خانم معلم پرسید: «چرا پچ پچ می‌کنید؟ ماروین؟»
ماروین جواب داد: «من پچ پچ نمی‌کردم. ملانی دارد
سؤالات پرسشنامه‌اش را از من می‌پرسد.»

خانم معلم گفت: «آهان! خب، می‌توانی بعداً بپرسی!
الان وقت مطالعه‌ی آرام است.»

ماروین برگشت سر وقت کتابش. او نُه‌ساله بود. کلاس
سوم بود. خانم معلم هم معلمش بود.

ماروین خانم معلم را دوست داشت. کلاس سوم را هم
دوست داشت. نُه‌ساله بودن را هم دوست داشت.

زنگ تفریح استوارت آلبرایت از ماروین پرسید:
«تو سؤالات پرسشنامه‌ات را آماده کرده‌ای؟»

ماروین جواب داد: «نه. سؤال خوبی به ذهنم نرسیده است.»

ماروین قرار بود از هرکسی یک سؤال بپرسد و جوابش را
بنویسد. بعد باید یک گزارش درباره‌ی جواب‌ها می‌نوشت.

جواب‌ها را می‌گذاشتند توی کیسول زمان. کیسول را
پنجاه سال بعد باز می‌کردند.



برای همین ماروین می‌خواست یک سؤال خیلی خوب پیدا کند.

استوارت پرسید: «تو کدام سبزی را بیشتر از بقیه دوست داری؟»
«هویج.»

استوارت سر تکان داد و گفت: «فکرش را که می‌کنم می‌بینم کمی عجیب است. تو موهایت هم نارنجی است رنگ هویج.»

ماروین گفت: «خب که چی؟»
«خب مردم به آدم‌های موقرمز می‌گویند کله‌هویجی. اما راستش کله‌ی هویج سبز است. برای همین باید به آدم‌های مو سبز بگویند کله‌هویجی.»

استوارت دوست صمیمی ماروین بود. ماروین تنها کسی بود که او را درک می‌کرد.

آن‌ها توی صف ایستادند تا بازی کنند.
نیک آمد پشت سر ماروین توی صف ایستاد و گفت:
«سلام ماروین!»

ماروین گفت: «سلام نیک.»
نیک تافل هم دوست صمیمی ماروین بود.
نیک پرسید: «کدام دایناسور را از همه بیشتر دوست داری؟»
ماروین کمی فکر کرد. برایش خیلی فرقی نداشت.
استوارت با دماغش صدایی درآورد و بعد گفت: «چه
سؤال مسخره‌ای!»
ماروین به دوتا دوستش نگاه کرد. می‌ترسید دعوایشان
شود.

